

راهکارهای تقویت اخلاص از منظر آیات و روایات

تحسین رضا^۱

چکیده:

اخلاص عامل مهم و اثرگذار در راستای ایجاد ظرفیت‌ها و استعدادهاست که متربی را در قبول تربیت یاری می‌رساند و عامل بازدارنده قوی و سد محکمی در برابر رذایل اخلاقی است. با توجه به تاکید آیه و روایات در خصوص ارزش و اعتبار اخلاص در سرنوشت انسان ضرورت تحقیق در این موضوع امری بدیهی و مسلم به نظر می‌رسد. لذا با استفاده از آیات و روایات در مورد راهکارهای تقویت به اخلاص این تحقیق مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: اخلاص، قرآن، روایات-مخلص، مخلص

راهکارهای تقویت به اخلاص از منظر آیات و روایات



دانش پژوه کارشناسی ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن^۱

مقدمه:

انسان موجودی است مملو از تمایلات و نیازها که اگر به حال خودش رها گردد به بدیها سوق می یابد و از سوی دیگر، انسان موجودی است شگفت انگیز که اگر به او توجه شود تمام ابعاد مادی و معنوی او را متعادل بار بیاورند، آنچه از منابع دینی و کلمات بزرگان و اولیای خدا بر می آید، معیار و ملاک برتری و بزرگی انسان همان باطن و بعد روحی و کمالاتی است که در او نهفته است و قابل رشد و نمو دارد، با توجه به این پیش فرض که انسان موجودی است برخوردار از استعدادهای گوناگون که تغیر و تحول این استعدادها به عوامل متعددی وابسته است، در اندیشه دینی راه رسیدن به کمال انسانی خداوند است، از همین رو است که تحقیق و تامل در شناخت عوامل تربیت از ضروریات عقل و خرد است، اولین قدم و ضروری ترین معیار در عوامل تربیت، عواملی است که پرورش، خدا خواهی، خدا محوری را تقویت کند، زیرا در نظر فطرت انسان پرستش خدا یک حقیقت مافوق و منزه است که می خواهد با خدا در ارتباط باشد.

عوامل متعدد در جهت شخصیت انسانی دخیل اند که هر کدام با تناسب اثر گذاری اش مناسب است ولی آنچه من به دنبال این تحلیل آن در نوشتارم عبارت است از: اخلاص، که از آن می توان به عنوان برترین فضیلت انسان یاد کرده، در عین این که نقش سازنده در تقویت پیوند و الفت انسان با خداوند دارد، عامل مهم و تاثیر گذار در رشد و تقویت اخلاص به شمار می آید. اخلاص در لغت از ریشه خلص به معنای پاک شدن، ساده گشتن و ویژه کردن است.

این فارس: آن را پاک نمودن و تصفیه کردن شی از آلودگی معنا کرده است.^۲

مرحوم طبرسی: این کلمه در اصل خالص کردن جنس از زواید است.^۳

خالص را مانند صافی یعنی پاک از هر گونه شائبه و آلودگی نیز معنا کرده است.

راغب تفاوتی را بین خالص و صافی قایل شده و می گوید: خالص مرادف صافی است با این تفاوت که خالص آن است که آمیختگی آن از بین رفته باشد ولی صافی به آن گویند از مشوب بودن با چیز دیگری به کلی پاک باشد و اثر آمیختگی در آن نیست.^۴

در معنای این واژه، رها شدن و نجات یافتن نیز ذکر شده است. چنانکه فراهیدی می گوید: خلص الشی خلوصا اذا كان قد نشب ثم نجا و سلم.^۵ آنگاه که فرو رفت گرفتار شد سپس نجات یافت و سالم ماند

^۲. احمد بن فارس ابن زکریا، معجم المقاییس اللغة، ج ۶، ص ۲۰۸.

^۳. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱۰.

^۴. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۵۵.

^۵. فراهیدی، کتاب العین، ص ۱۸۶.

معنای دیگری نیز برای این واژه ذکر شده است از جمله دوستی خالص و ارادت صادق و عقیده پاک داشتن. علاوه بر محققان ادبیات عرب ادبای فارسی زبان نیز در معنای این واژه گفته اخلاص ترک کردن ریا است در طاعات و عبادات و در اصطلاح عبارت است از آزاد کردن قلب از مخلوط شدن و شائبه که صفای قلب را خراب و مکدر می کند و تحقیق آن است که در هر شیر ممکن است شیر دیگری مخلوط و مشوب شود وقتی که شیر از این غیر صافی خالی شد آن را خالص گویند و این کار را اخلاص نامند^۶

در فرهنگ معین آمده است: ترک عملی بخاطر مردم ریا و بجا آوردن آنان، شرک است و اخلاص خلاص یافتن از این دوا است.^۸

در معنای این واژه، رها شدن و نجات یافتن نیز ذکر شده است. چنانکه فراهیدی می گوید: خلص الشی خلوصا اذا كان قد نضب ثم نجا و سلم. آنگاه که فرو رفت گرفتار شد سپس نجات یافت و سالم ماند

البته این معنا در معنای لغوی نیز آمده است مثلا در اقرب الموارد گفته شده :

صار خالصا و من التلف نجا و سلم. خالص شد و از تلف شدن نجات یافت و سالم ماند-

معنای دیگری نیز برای این واژه ذکر شده است از جمله دوستی خالص و ارادت صادق و عقیده پاک داشتن.^{۱۱}

علاوه بر محققان ادبیات عرب ادبای فارسی زبان نیز در معنای این واژه گفته اخلاص ترک کردن ریا است در طاعات و عبادات و در اصطلاح عبارت است از آزاد کردن قلب از مخلوط شدن و شائبه که صفای قلب را خراب و مکدر می کند و تحقیق آن است که در هر شیر ممکن است شیر دیگری مخلوط و مشوب شود وقتی که شیر از این غیر صافی خالی شد آن را خالص گویند و این کار را اخلاص نامند^{۱۲}

در فرهنگ معین آمده است: ترک عملی بخاطر مردم ریا و بجا آوردن آنان، شرک است و اخلاص خلاص یافتن از این دوا است.^{۱۳}

^۶. زمخشری، اساس البلاغه، ص ۱۱۸

^۷. علی اکبر، دهخدا لغت نامه، ص ۱۵۲۳

^۸ محمد معین، فرهنگ معین، ص ۱۷۳.

^۹. فراهیدی، کتاب العین، ص ۱۸۶.

^{۱۰}. سعیدخوری، اقرب الموارد فی فصیح العربیه والشوار، ج ۱، ص ۳۹۳.

^{۱۱}. زمخشری، اساس البلاغه، ص ۱۱۸

^{۱۲}. علی اکبر، دهخدا لغت نامه، ص ۱۵۲۳

^{۱۳}. محمد معین، فرهنگ معین، ص ۱۷۳.

اخلاص در اصطلاح:

در این بخش به معنی مصطلح که کلمه اخلاص در قرآن، روایات و احادیث در میان عرفا و نهائیتا علمای علم اخلاق می پردازیم

اخلاص در اصطلاح قرآنی:

با نگاه اجمالی در آیات قرآن در می یابیم که اخلاص در بیان قرآن اشاره به پاک دلی مسلمین و پاکی اعتقادات از عقائد باطله است. یعنی آنچه را که یهود از تشبیه و نصارا از تثلیث می گفتند و می خوانند مسلمین از این گونه عقائد باطله تبری و بیزاری جستند. پس حقیقت معنای اخلاص در پرستش تبری و دوری از هر چیز غیر خدای تعالی است.^{۱۴} چنانکه در قرآن آمده است و مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ^{۱۵} و نیز در سوره نساء اشاره به اَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ^{۱۶} همین معنای است.

اخلاص در روایات

در کلام ائمه معصومین (ع) اخلاص بدان معنا است که هدف و غرض انسان در عمل یا رفتارش بر خواسته از ضمیری روشن و دور از هر گونه شائبه مادی و نفسانی باشد و رعایت این مسئله بدون اخلاص به ذات قدس الهی قابل تصور نیست زیرا اخلاص به خداوند موجب اخلاص به همه حقایق با ارزش انسانی است چرا که همه حقایق به جهت وابستگی به مشیت یا صفات خدا جنبه قداست و عظمت پیدا کرده اند، رسول اکرم (ص) درباره اخلاص می فرماید: هو تقول ربی الله ثم تستقیم كما امرت بعمل الله.^{۱۷} اخلاص این است که بگویی، پروردگار من الله است سپس چنانکه مامور شده ای در این قول و اعتقاد استقامت بورزی. عمل برای خدا کنی و دوست نداشته باشی که تو را بخاطر عملی که انجام داده ای.

مخْلِصٌ و مَخْلَصٌ

الف: مَخْلَصٌ:

به کسر لام، اسم فاعل از کلمه اخلاص به معنای خالص کننده -

دقت در آیات قرآن نشان می دهد که گاهی عامل در عملش خود را می بیند و تلاش می کند که کارش را در جهت صحیح و مطلوب خداوندی به انجام رساند آن را با هیچ انگیزه دیگری آمیخته نسازد چنین فردی را غالباً قرآن "مَخْلَصٌ" معرفی می کند، گویا هنوز در آغاز کار است و قدمهای اولیه خودسازی را بر می دارد و هنوز به تکامل نرسیده، زیرا می گوید من کار خالصانه کردم و عمل من برای رضای خدا بود-

^{۱۴}. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۵۶.

^{۱۵}. سوره عنکبوت آیه ۶۵.

^{۱۶}. سوره نساء آیه ۱۴۶.

^{۱۷}. محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۹.

در قرآن واژه مخلص به کسانی که دارای اخلاق موسمی و گذرا هستند نیز اطلاق شده است، مثلاً درباره کسانی که در میان امواج دریا از وسایل مادی ناامید شده آن گاه خدا را می خوانند، کلمه مخلصین به کار رفته است، چنانکه می فرماید: فَإِذَا رَكَبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَاؤُا اللَّهِ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ^{۱۸} هنگامی که بر سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می خوانند (و غیر او را فراموش می کنند)؛ اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرک می شوند-

ب: مخلص:

به فتح لام، بصورت اسم مفعول به معنای خالص شده-کسی که خدا وی را برای خود خالص گردانیده، پس از آن که او خود را برای خدا خالص کرده است یعنی گردنه ها را در نور دیده و از موانع پیش راه به سلامتی گذشته و از نفوذ وسوسه های شیاطین مصونیت پیدا کرده به گونه ای که در برابر انحرافات و لغزشها مصونیت یافته است از این افراد قرآن به نام مخلص یاد می کند

بخش ایجابی و تقویت کننده اخلاص

اخلاص عاملی است که هم در بخش ایجابی ایجاد ظرفیتها و قابلیت های انسانی که باعث می شود، زمینه تربیت را هموار کرد و انسان را در طریق تربیت و تزکیه قرار داده، از او یک انسان معتدل و توانا و الهی بار آورد- و همچنین در بخش سلبی موانع فرا روی تربیت را از بین می برد تا سبب شود که انسانها در مسیر کسب فضایل اخلاقی دچار موانع بازدارنده ای نباشد، در ابتدا بخش ایجابی بحث مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته و آن گاه بخش سلبی.

آن چه جنبه ایجابی دارد عبارت است از:

۱- بصیرت

بصیرت به معنای بینایی دل است، راغب می گوید: به درک قلب بصیرت و بصر بر وزن فرس می گویند: این معنی مرادف معرفت و درک است.^{۱۹} طبرسی (ه) : در آیه اَدْعُوْا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ.^{۲۰} آن را به معنای معرفت و بینایی دل فرموده است.^{۲۱}

بدون شک هر کسی بصیرت، دانایی و بینایی نداشته باشد، نور و روشنایی ندارد و کسی که از این نعمت پر فیض و برکت الهی محروم باشد نمی تواند اوامر و نواهی و تکالیف و مسئولیت های اساسی، برنامه های تربیتی را فهم و درک کند چون کسی که بصیرت و ژرف نگری نباشد، نمی تواند ضعف و حقارت انسانی خود را متوجه سازد تا انگیزه و رغبت تکامل در او ایجاد گردد بنابراین بصیرت زیرکی و دانایی است که تقوا و پرهیزگاری را به ارمغان

^{۱۸}. سوره عنکبوت آیه ۶۵.

^{۱۹}. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۷۲۱.

^{۲۰}. سوره یوسف آیه ۱۱۰.

^{۲۱}. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۳۷.

می آورد، بصیرت و دانایی نسبت به حق و شئون حضرت او پایه عبادت و پرستش را در نهاد آدمی پربار می کند و موجبات تربیت انسان را ایجاد می کند و چنین است که قرآن در قالب پرسش معنی دار این مسئله را گوشزد می کند.

أَمَّنْ هُوَ قَائِمٌ أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ.^{۳۳} [آیا چنین انسان کفران کننده ای بهتر است] یا کسی که در ساعات شب به سجده و قیام و عبادتی خالصانه مشغول است، از آخرت می ترسد و به رحمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: آیا کسانی که معرفت و دانش دارند و کسانی که بی بهره از معرفت و دانش اند، یکسانند؟ فقط خردمندان متذکر می شوند.

رابطه اخلاص و بصیرت علاوه بر جنبه معنوی که بعضا برای ما ناشناخته است از نظر تحلیل عقلی قابل درک است چرا که بزرگ ترین مانع شناخت و مهمترین حجاب بر قلب آدمی هوا و هوس های سرکش و آرزوهای دور و دراز، مظاهر فریبنده دنیا است. اما هنگامی که در پرتو اخلاص و ایمان و صفای باطن این گرد و غبار فرو نشست و این ابرهای ظلمت و تاریک از آسمان روح انسان کنار رفت و حقایق را آنچنان که هست در می یابد ولذت توصیف ناشدنی از این درک صحیح و عمیق نصیب انسان مخلص می شود.

از همین رو در طول تاریخ در حالات زنان و مردان مخلص و روشن ضمیر، بصیرت و روشن بینیهایی مشاهده می کنیم که از طریق علم و دانش معمولی قابل درک نیست و چهره های منفور دشمنان حق را از پشت هزاران پرده فریبنده می دیدند.

امام علی (ع) در این زمینه می فرماید: **عِنْدَ تَحَقُّقِ الْإِخْلَاصِ تَسْتَنِيرُ الْبَصَائِرُ**^{۳۳} چون اخلاص تحقق یابد، دیده بصیرت و روشنی گیرد-

۲- صبر و پایداری

برای صبر تعریفهای متعددی ذکر کرده اند که از این میان تعریف خواجه انصاری انتخاب و عرضه می گردد: **الصبر حبس النفس علی جزع من عن الشکوی.**^{۳۴} صبر عبارتست از خود داری از شکایت با اینکه در باطن جزع است-

پس صبر متقوم بر دو امر است: یکی از آن نا ملایم که بر او وارد می شود کراهت داشته باشد در باطن و دیگر اینکه خودداری کند از اظهار و شکایت و جزع^{۳۵} صبر خویشتن داری و حبس نفس است بر چیزی که شرع و عقل

^{۳۲} . سوره زمر آیه ۹.

^{۳۳} . محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، ج ۳، ص ۶۷

^{۳۴} . خواجه عبدالله، انصاری، منازل السائرین، مترجم صفی الدین محمد طارمی، ص ۹۵۹.

^{۳۵} . روح الله خمینی، شرح حدیث جنود و عقل، ص ۴۱۰.

تقاضا می کند یا چیزی که شرع و عقل از آن نهی می کند.^{۲۶} منظور ما هم ارتقای صبر و پایداری در برابر مشتهیات نفسانی و پیروی از دستورات شرع و عقل است.

صبر و استقامت سرآمد صفات پسندیده است یعنی به وسیله استقامت و صبر می توان جمیع کمالات نفسانی و غیر نفسانی را بدست آورد، بنابراین اگر انسان بخواهد بر نیروهای شیطانی غلبه کند و زمینه رشد و آگاهی خود را فراهم کند، نیازمند صبر و پایداری در برابر مشکلات و نارسایی ها است، بنابراین ضروری است در خصوص عوامل تقویت کننده و ایجاد کننده صبر و پایداری دقت عمیق صورت گیرد تا بتوانیم در اثر استقامت و پایداری در تحصیل فضایل انسانی به عالیترین مراتب کمال برسیم،

اما اخلاص از آنجا که انسان مخلص، عاشق و شیفته خداوند است برای رضایت و کسب موقعیت نزد او دشوارترین و سخت ترین اعمال را بر خود سهل می گیرد و حتی از تحمل آن لذت هم می برد چنانچه در مقام عبادت انسان مخلص بالاترین توان، تحمل را دارا است، چون عبادت و بندگی به هر ترتیب و هر شکلی برای انسان دشوارتر است، نماز بخاطر سستی، زکات بخاطر بخل و دنیا دوستی، حج و جهاد بخاطر هر دو، بنابراین در نتیجه صبر و پایداری در مقام بندگی و پرستش خدا در حقیقت صبر و پایداری و مقاومت در برابر سختی ها و دشواری ها گوناگون است.

مرحوم فیض کاشانی(ره) می نویسد: بنده که می خواهد فرمان بردار خدا باشد در سه مرحله نیاز مند صبر است: اول: اینکه انسان باید قبل از عبادت با نیت خالص، مشروع به عبادت کند و در مقابل شوایب و ریا صبور و مقاوم باشد و در مقابل آفات از خود نشان ندهد و او معتقد است که تقدم صبر بر عمل در آیه *إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ*^{۲۷} اشاره به همین مطلب است.

دوم: صبر و پایداری در حین انجام عمل صالح تا اینکه از یاد خدا غافل نشویم در قبال انجام عبادات و مستحبات و سنن آداب عبادت سستی از خود نشان ندهیم و عبادت را به صورت شایسته به اتمام برسانیم.

سوم: بعد از فراغ از عمل، انسان مخلص، محتاج صبر و پایداری و مقاومت است و اینکه باید در برابر هوای نفس و مکر شیطانی صبور باشد و نسبت به عمل صالح خود ریا و تظاهر نشود و به حالت عجب به عملش نگاه نکند. یا *أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ*^{۲۸}. چنانچه کسی که اخلاص و انگیزه الهی در او به حالت ملکه نفسانی تبدیل شده است به خاطر رضایت خدا در مقابل بلاهای دنیوی و خواهش نفسانی در جهت انجام عبادت خدا، جهاد در میدان جنگ، دفاع از دین، و برای اعتلای کلمه حق بردبار و مقاوم است و در همه جا رضایت خالق بر رضایت و مقبولیت نفس خود مقدم دارد.

یکی از مبادی و پایه های ریا و تظاهر بی صبری و کم صبری، سستی اراده و قلت ضعف در بردباری علیه رضایت اخلاقی امور شیطانی است و خدا به انسانها دستور صبر و پایداری داده است: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ*

^{۲۶}. سیدعلی اکبر، قریشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۱۰۵.

^{۲۷}. سوره هود آیه ۱۱.

^{۲۸}. سوره بقره آیه ۲۶۴.

صَابِرُونَ وَ رَابِطُونَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.^{۲۹} ای اهل ایمان! [در برابر حوادث] شکیبایی کنید، و دیگران را هم به شکیبایی وادارید، و با یکدیگر [چه در حال آسایش چه در بلا و گرفتاری] پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا رستگار شوید.

آری همین صبر و پایداری است که میزان اخلاص آدم‌ها را محک می‌زند، اگر فرض را بر این مبنا می‌گیریم که در این دنیا هیچ مشکل نباشد در این فرض همه انسانها می‌توانند مخلص باشند و لذا مصایب و بلای مادی و روحی است که غربال‌کننده انسان‌ها ناب و خالص از انسانها ریا کار و متظاهر است. الَّذِينَ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ^{۳۰} بی‌تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خدا است سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند [و می‌گویند]: مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می‌دادند، بشارت باد.

تفسیر نمونه در ذیل این آیه بیان می‌کند، بسیاری کسانی که دم از عشق الله می‌زنند ولی در عمل استقامت ندارند، افرادی سست و ناتوانند که وقتی در برابر طوفان شهوت قرار می‌گیرند با ایمان وداع کرده و در عمل مشرک می‌شوند.^{۳۱}

رمز پیروزی در دو چیز است: اولاً: ایمان و اخلاص در حد بالا. ثانیاً: صبر و پایداری که مرهون ایمان و اخلاص است و اخلاص باعث می‌شود که انسان در مقابل مشکلات شکیبا و استقامت داشته باشد و هرگز از میدان حوادث در نرود و بی‌تابی و جزع نکند تا به هدف بزرگ نایل گردد.

برنامه انسان مخلص استقامت است در مسیر اطاعت، ترک گناه، مبارزه با ظلم و فساد وجود دارد بعض انسانها در برابر حوادث صبر می‌کنند تا مردم بگویند چقدر با استقامت است؟ اما انسان مخلص فقط بخاطر خدا صبر و پایداری دارد. خداوند در سوره رعد می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^{۳۲}

و هم در طلب رضای خدا راه صبر پیش می‌گیرند و نماز به پا می‌دارند و از آنچه نصیبشان کردیم پنهان و آشکار انفاق می‌کنند و در عوض بدیهای مردم نیکی می‌کنند، اینان هستند که عاقبت منزلگاه نیکو یابند. اینکه صبر را مطلق آورده می‌رساند که اشخاص مورد نظر آیه همه اقسام صبر را دارند، یعنی هم صبر در موقع برخورد به مصیبت، و هم صبر بر اطاعت حق، و هم صبر در برابر معصیت را. و لیکن با این حال صبرشان را مقید به قید "ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ" نموده، یعنی اگر صبر می‌کنند فقط و فقط به منظور رضای پروردگارشان است. پس اگر خداوند مدحشان کرده نه از این نظر است که صفات ممدوحی دارند، بلکه مدحشان از این جهت است که این صفت ممدوح یعنی صبرشان بخاطر خداست، چون کلام در آن صفاتشان است که از استجابتهای نسبت

^{۲۹}. سوره آل عمران ۲۰۰.

^{۳۰}. سوره فصلت آیه ۳۰.

^{۳۱}. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۷۰.

^{۳۲}. سوره رعد آیه ۲۲.

به دعوت خدا نشو و نما نموده، و از آنجا سرچشمه گرفته که به حقیقت آنچه از ناحیه پروردگارشان نازل شده علم بهم رسانده‌اند و باور کرده‌اند که همه آنها حق است، نه هر صفتی که مردم آن را در میان خود ممدوح و پسندیده می‌دانند، هر چند که ارتباطی به عبودیت و ایمان به پروردگار نداشته باشند. آری، صبری از نظر قرآن ممدوح است که به خاطر خدا باشد، نه به خاطر جلوگیری از عجز، و یا عجب به نفس، و یا تعریف این و آن، و یا غیر آن، زیرا بسیاری از خویشان داران، خویشان داریشان بخاطر جلب افکار عمومی است.^{۳۳}

در تفسیر نمونه آمده است: مفهوم "صبر" را که "استقامت به معنی وسیع کلمه" است، یادآور شده‌ایم و اما تعبیر به "وَجْهٍ رَبِّهِمْ" یکی از دو معنی را می‌رساند:

نخست اینکه وجه در این گونه موارد به معنی "عظمت" است، همانگونه که به "نظر" و "رأی" مهم گفته می‌شود هذا وجه الرأی: "یعنی این رأی مهمی است" و این شاید به خاطر آنست که "وجه" در اصل به معنی صورت است و صورت انسان مهمترین قسمت ظاهری بدن او است، زیرا اعضای مهم گویایی و بینایی و شنوایی در آن قرار گرفته است.

دیگر اینکه "وجه رب" در اینجا به معنی "رضایت و خشنودی پروردگار" است، یعنی آنها به خاطر جلب رضای حق در برابر همه مشکلات صبر و استقامت به خرج می‌دهند، استعمال وجه در این معنی، به خاطر آن است که انسان هنگامی که می‌خواهد جلب رضایت کسی را کند صورت او را به خود متوجه می‌سازد، (بنا بر این وجه در اینجا جنبه کنایی دارد.

در هر صورت این جمله دلیل روشنی است بر اینکه صبر و شکیبایی و به طور کلی هر گونه عمل خیر در صورتی ارزش دارد که "ابتغاء وجه الله" و برای خدا باشد، و اگر انگیزه‌های دیگری از قبیل ریاکاری و جلب توجه مردم که او آدم با استقامت و نیکوکاری است، و یا حتی برای ارضای غرور خود، کاری را انجام دهد بی‌ارزش است.^{۳۴}

اظهار نکردن جزع باطنی و شکایت نمودن و صبوری ورزیدن در تهذیب نفس و عبادت خداوند و خدمت به خلق خدا از صفت برجسته ویژه ای انسان مخلص است

۳- شرح صدر

شرح در کتب لغت به معنای "بسط" و "وسعت دادن" می‌آید و "صدر" هم معنی "سینه" را می‌دهد-آیاتی که در آن شرح صدر و ضیق صدر بکار رفته است به نظر می‌رسد، سعه و ضیق قلب است و به اعتبار اینکه قلب در سینه است پس شرح صدر، وسعت پیدا کردن دل انسان در پذیرش حقایق و واقعیت است.^{۳۵}

سعه صدر مفهومی است که تنها برخورد ظاهری و بروز دادن رافت و مهربانی خلاصه نمی‌شود بلکه در ارتباط با پذیرش حق و درک مطالب نقش مهمی ایفا کند.

^{۳۳}. محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۴۷۰.

^{۳۴}. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۸۸.

^{۳۵}. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۲.

پیامبر اکرم (ص) در جواب پرسش از علامت انسان مخلص فرمود: **أَمَّا عَلَامَةُ الْمُخْلِصِ فَأَرْبَعَةٌ: يَسْلَمُ قَلْبُهُ، وَ تَسْلَمُ جَوَارِحُهُ وَ بَدَلُ خَيْرِهِ وَ كَفَّ شَرَّهُ**^{۳۶}. نشانه مخلص چهار چیز است: قلبی سلیم دارد، اعضا و جوارحش تسلیمند، خیرش [به دیگران] می رسد و از بدی کردن خوددار است.

انسان مخلص پیوسته در اندیشه ذات حق و مسئله ابدیت و ازلیت و نامتناهی بودن ذات پاک خداوند است و درک اوصاف و صفات حق و فانی بودن دنیا باعث می شود انسان در مقابل حق نرمش داشته باشد زیرا کسی که شیفته و عاشق خداوند شد بر بساط قرب او گام می نهد،

نخست مشمول یک سلسله مواهب معنوی می گردد و هنگامی که به خداوند نزدیک تر شد خدا بر او نظر رحمت می افکند و او را از دچار لغزش های گناه پاک می سازد، در نتیجه انسان غرق در نعمت الهی می گردد و قلبش با نور الهی صفا و جلا می یابد، برای او شرح صدر، گشاده روی ایجاد می گردد-حضرت موسی(ع) یک دلو آب از چاه کشید وانگیزه جز رضایت خالق نداشت^{۳۷}

اخلاص گوهری است که نقش عمده در شناخت و تشخیص حق و باطل، شناخت نیک و بد، سعادت و بدبختی را دارد و اخلاص و مقام پروردگار سبب می شود انسان دید و درک نیرومند و نورانیت و روشن بینی فوق العاده بیابد، اما اخلاص چون حق مداری و حق پذیری جزو ذاتش است لذا در ایجاد روح پذیرش و شرح صدر عاملی محسوب می شود-

تاثیر اخلاص بر قلب و روح انسان این است که قلب او نورانی کرده و صفا و جلا می بخشد و در پرتو اخلاص توسعه و شرح صدر پیدا کرده و میزان پذیرش حق در انسان افزایش می یابد، پس کسی که خداوند سینه اش را برای قبول اسلام که همان تسلیم بودن است شرح کرده باشد، در حقیقت سینه اش را برای تسلیم در برابر اعتقاد صحیح و عمل صالح وسعت داده بطوری که هیچ مطلب حق و صحیح به او پیشنهاد نمی شود مگر اینکه او را می پذیرد-

۴- مناعت طبع

مناعت مصدر "مَنَع" است به معنای محکم و استوار و نیروی که جسم دارا شود و مانع از بیماری گردد.^{۳۸} مناعت طبع یعنی پیدایش نیرویی که سنجیه و خلق و پلید را از انسان باز دارد و عزت نفس انسانی را ارزانی دارد، بسیاری از افراد در جامعه اسیر خواسته های نفسانی اند و نمونه های بارز آن را می توان معتادان به مواد مخدر عشق های جنون، اختلاس های کلان از بیت المال مسلمین، ربا خواری و.... شاهد بود، اسارت در برابر مشتهیات نفسانی باعث می شود، انسان در قدم اول به گناه کوچکی آلوده شود و سپس قتل انجام دهد، بعد دروغ بگوید، سر انجام مشرک گردد-

^{۳۶}. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، ص ۳۲.

^{۳۷}. سوره قصص، آیه ۲۴.

^{۳۸}. مصباح احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ج ۲، ص ۱۶۰۴.

عزت نفس انسان را از تحریص بر رضایت هوای نفس باز می‌دارد، یکی از خصلت‌های منفی انسان حرص است، موقعی که مبانی تربیت غلط انسانی را حریص بار آورد او دیگر از حضرت حق غافل است و حرص اولین حربه شیطان علیه انسان است و اولین زحمت و مشقتی که دامن‌گیر انسان شد توسط همین خصیصه بود که حضرت آدم دچار آن شد. وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةٍ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَهَا يَبْلَىٰ.^{۳۹}

و به یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم [ولی آن را] فراموش کرد و برای او عزمی [استوار] نیافتیم و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید پس جز ابلیس که سر باز زد [همه] سجده کردند پس گفتیم ای آدم در حقیقت این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناک] است زنهار تا شما را از بهشت به در نکند تا تیره بخت گردی در حقیقت برای تو در آنجا این [امتیاز] است که نه گرسنه می‌شوی و نه برهنه می‌مانی و [هم] اینکه در آنجا نه تشنه می‌گردی و نه آفتاب‌زده پس شیطان او را وسوسه کرد گفت ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی‌شود راه نمایم.

به این قصه پرداخته است چگونه انسان گول و وسوسه‌های شیطانی را خورد و از نعمت الهی محروم گشت و این حرص است که شادابی و طراوت را از زندگی انسان می‌رباید، گاهی تنگی معیشت به خاطر این نیست که در آمد کمی دارد. گاه می‌شود درهای زندگی به روی انسان به کلی بسته می‌شود، و دست به هر کاری می‌زنند با درهای بسته رو به رو می‌گردد، و گاهی به عکس به هر جا روی می‌آورد خود را در برابر درهای گشوده می‌بیند، مقدمات هر کار فراهم است و بن‌بست و گرهی در برابر او نیست، از این حال تعبیر به وسعت زندگی و از اولی به ضیق یا تنگی معیشت تعبیر می‌شود، منظور از "معیشت ضنک" که در آیات بالا آمد نیز همین است. گاهی تنگی معیشت به خاطر این نیست که درآمد کمی دارد، ای بسا پول و درآمدش هنگفت است، ولی بخل و حرص و آرزو زندگی را بر او تنگ می‌کند نه تنها میل ندارد در خانه‌اش باز باشد و دیگران از زندگی او استفاده کنند، بلکه گویی نمی‌خواهد آن را به روی خویش بگشاید، راستی چرا انسان گرفتار این تنگناها می‌شود، قرآن می‌گوید: عامل اصلیش اعراض از یاد حق است. یاد خدا مایه آرامش جان، و تقوا و شهامت است و فراموش کردن او مایه اضطراب و ترس و نگرانی است.^{۴۰}

هنگامی که انسان مسئولیت‌هایش را به دنبال فراموش کردن یاد خدا به فراموشی بسپارد، غرق در شهوات و حرص و طمع می‌گردد، پیدا است، که نصیب او معیشت ضنک خواهد بود، نه قناعتی که جان او را پر کند، نه توجه به معنویت که به او غنای روحی دهد، و نه اخلاقی که او را در برابر طغیان شهوات باز دارد. آری کسی که می‌گوید خدا رازق است، او بخشنده و کریم است و تدبیر امور بدست او است اما در عین حال به آینده اش اطمینان ندارد، معلوم است که در گفتار او اثری از اخلاص و صداقت وجود ندارد.

^{۳۹} .سوره طه آیه ۱۱۵ تا ۱۲۰.

^{۴۰} . مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۲۷.

بنابراین آزادگی و بریدن طمع از مال و ثروت، این ره آورد ایمان و اخلاص و توکل بر خداوند است. زیرا انسان مخلص مبنای زندگیش را بر اساس توصیه های دین و الهی پایه ریزی کرده است بلکه انسان مخلص در عین تلاش و فعالیت و رسیدگی به امور دنیای از اعتقاد و ارزش های انسانی فاصله نمی گیرد زیرا باور اعتقادی که او نسبت به خدا دارد او را از چشم داشت به مال و اموال دیگران بی نیاز می سازد.

طمع و آزمندی محصول دنیا پرستی و شهوت پرستی در چنگال هوای نفس است^{۴۱} امام علی (ع) می فرماید: غَايَةُ الْإِخْلَاصِ الْخَالِصُ^{۴۲} رهایی و نجات در اخلاص است-جبرئیل در پاسخ به سوال پیامبر (ص) از اخلاص می گوید:

مخلص کسی است که از مردم هیچ نخواهد تا خود بدان دست یابد و هرگاه بدان دست یافت خشنود شود و هرگاه چیزی از نزدش باقی ماند به دیگران بخشد، زیرا کسی که از مخلوق چیزی نخواهد به عبودیت برای خدا اقرار کرده و چون نیاز به خود رسید و خشنود گشت، خدای تبارک و تعالی از او خوشنود است و هرگاه آنچه برایش باقی مانده، برای خدای عزوجل ببخشد، به مرتبه اعتماد پروردگارش رسیده است بنابراین جایگاه رفیع اخلاص در پیشگیری از صفت حرص و طمع و نهادینه کردن منعت طبع و آزادگی اهمیت فوق العاده دارد.

امام علی (ع) در این زمینه می فرماید: **أَوَّلُ الْإِخْلَاصِ الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ**^{۴۳}. گام اول اخلاص چشم امید بر کندن از دست مردمان است.

و در روایت دیگری آمده است: **أَصْلُ الْإِخْلَاصِ الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ**^{۴۴}. ریشه اخلاص نومید شدن از دست مردمان است.

۵- توجه به رضای الهی

توجه به رضای الهی باعث اخلاص می شود و توجه انسان را به سایر انگیزه ها و کشش ها به سوی رضایت الهی معطوف می شود، در اندیشه دینی توجه به رضایت الهی داشتن از بزرگترین کمال آدمی محسوب می شود و طبق راهنمایی قرآن کریم کسی که از یاد خدا غافل شود و توجه به رضایت و خشنودی او نداشته باشد، همنشین و رفیق شیطان خواهد بود و این بزرگ ترین خطری است که جهان بشریت را از ازل تا ابد تهدید خواهد کرد.

وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَانِ نُقِصَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ^{۴۵} و هر که از یاد خدا (و حکم قرآن) رخ بتابد شیطانی را بر او برانگیزیم تا یار و همنشین دایم وی باشد

^{۴۱} محمد تقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، حکمت، ۱۸۰.

^{۴۲} محمد تمیمی، آمدی، غررالحکم، ج ۱، ص ۴۰۷.

^{۴۳} همان، ج ۱ ص ۱۵۹۰.

^{۴۴} همان، ج ۱ ص ۱۵۸۸.

^{۴۵} .سوره زخرف آیه ۳۶.

اما نقش اخلاص در جهت بخشیدن به انگیزه ها اصولاً نقش اصلی انسان به سوی رضایت خدا و کسب تقرب به پیشگاه ذات یگانه هستی است.

امام صادق (ع) می فرماید: **وَ النَّيَّةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ أَلَا وَ إِنَّ النَّيَّةَ هِيَ الْعَمَلُ**^{۴۶} یت برتر از عمل است، آگاه باش همان ها نیت عمل است.

اهمیت و ارزش هر عملی متناسب با تاثیر آن در هدف است، انسان مخلص و موحد، هدف و انگیزه و مقصود او رضایت خداوند است، از نگاه او اخلاص نوری است که او را به رضایت مندی و تقرب خدا هدایت می کند چون هدف و انگیزه انسان مخلص جلب و رضایت خداوند است، خداوند در قرآن می فرماید **إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ**^{۴۷} مقام مخلصین چنان والا و با عظمت شمرده است که در قیامت از حضور در دادگاه الهی برای محاسبه اعمال و کردار دنیایش معاف اند و بدون حساب و کتاب وارد بهشت می شوند.

به نظر می رسد که انسان وقتی شایسته دریافت اسرار الهی و محبت او قرار می گیرد که در برابر وسوسه شیطان و نفس اماره مصونیت داشته باشد و طمع شیطان را از دلش بریده باشد و بر هوای نفس غالب آید. چون کسی که اسیر هوای نفس است، باطنش تاریک و ظلماتی است و به قول امام علی (ع) توانایی بر اخلاص راه ندارد: **كَيْفَ يَسْتَطِيعُ الْإِخْلَاصَ مَنْ يَغْلِبُهُ الْهَوَى**^{۴۸} چگونه توانایی بر اخلاص دارد کسی که هوای نفس بر او غالب است. در واقع اصلی ترین ویژگی انسان مخلص، توجه به رضایت خداوندی است، چنانچه در تعریف اخلاص آورده اند: اخلاص پاکیزه نمودن عمل است از این که برای غیر خدا در آن نصیبی نباشد و با این انسان مخلصین چنین است که: **إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ**^{۴۹} ما به خاطر رضایت خدا اطعام می کنیم-

لذا اخلاص عاملی است که انسان را نسبت به دنیا بی اعتنا بار می آورد، چون دنیا در نظر آنان منزلگاهی است که در مسیر یک سفر طولانی و راه، اندوختن زاد و توشه در تداوم این راه پر خطر فقط در گرو رضایت خدا است.

۶- استحکام کارهای اجتماعی

بر اساس تئوری ارزش کار، ارزش هر محصولی، به کاری بستگی دارد. وقتی که عاملی عملی را با دقت و ظرافت بهتر انجام دهد ارزش بیشتری دارد یا عبارت دیگر کیفیت کار بستگی به استحکام آن عمل دارد زیرا از نظر اسلام کار مفید و ارزشمند اثری مفید در مسیر کمال و ترقی انسان می گذارد لذا اخلاص به عنوان یک ویژگی پویا و سازنده چنانچه در بعد معنوی اثر بخش است و در بعد مادی باعث بهبود کیفیت کار و محصول می شود، زیرا انسان مخلص چنانچه در ساختن جسم و جانس جدید و قاطعیت دارد، در انجام کار و تولید یک اثر هم کمال دقت و جدیت و قاطعیت دارد به کار می گیرد-

^{۴۶} . محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶.

^{۴۷} . سوره حجر آیه ۴۰.

^{۴۸} . محمد تمیمی آمدی، غررالحکم، ج ۱، ص ۵۵۳.

^{۴۹} . سوره انسان آیه ۹.

خداوند در سوره هود می فرماید: وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا.^{۵۰} و او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، در حالی که تخت فرمانروایی‌اش بر آب [که زیربنای حیات است] قرار داشت، تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید.

در توضیح و تفسیر این آیه امام صادق (ع) می فرماید: لَيْسَ يَعْني أَكْثَرَ عَمَلًا، وَ لَكِنْ أَصْوَبَكُمْ عَمَلًا، وَ إِنَّمَا الْأَصَابَةُ خَشْيَةُ اللَّهِ وَ النَّيَّةُ الصَّادِقَةُ، ثُمَّ قَالَ الْأَبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ، أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ، وَ الْعَمَلُ الْخَالِصُ الصَّالِحُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.^{۵۱}

«منظور این نیست کدام یک بیشتر عمل می کنید، بلکه منظور این است کدامیک صحیح تر عمل می کنید، و عمل صحیح آن است که، توأم با خداپرستی و نیت پاک باشد، سپس فرمود: نگهداری عمل از آلودگی، سخت تر است از خود عمل، و عمل خالص صالح، عملی است که نمی خواهی احدی جز خدا تو را به خاطر آن بستاید. در فرهنگ دینی اسلام برای یک عمل دو پرونده تشکیل می شود، یکی آفریدن کار نیک و دیگری انگیزه داشتن یعنی در ساختن یک بیمارستان هم استحکام کار و کیفیت آن مورد نظرات و هم رضایت الهی-

آری اخلاص عامل مهمی در استحکام کارها خواهد بود چون شخص مخلص سعی دارد با ارائه کار ارزنده به هموعانش خدمتی کرده باشد چون او خدمت به خلق را عبادت می داند لذا به جزئیات کار که در استحکام آن کمک می کند و همت می گمارد، زیرا چنین کاری ریشه و عمق دارد و از دوام استحکام قابل قبولی برخوردار است، عمل که با انگیزه الهی و بخاطر رضایت خدا صورت پذیرد به باغی تشبیه می کند که در بلندی قرار دارد و با رسیدن باران های درشت، حاصل دو چندان بدهد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ.^{۵۲}
ای اهل ایمان! صدقه هایتان را با منت و آزار باطل نکنید، مانند کسی که مالش را به ریا به مردم انفاق می کند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارد، که وصفش مانند سنگ سخت و خرابی است که بر آن [پوششی نازک از] خاک قرار دارد و رگباری تند و درشت به آن برسد و آن سنگ را صاف [و بدون خاک] واگذارد [صدقه ریایی او مانند آن خاک است. و این ریاکاران] به چیزی از آنچه کسب کرده اند، دست نمی یابند و خدا مردم کافر را هدایت نمی کند. امام علی (ع) نیز درباره ریاکار می فرماید: هرگاه او را مدح و ثنا گویند برعملش می افزاید و هرگاه ثنا نگویند از آن می کاهد.^{۵۳}

بخش سلبی و باز دارنده اخلاص

همانطور که ملاحظه گردید اخلاص و انگیزه الهی سبب می شود، ظرفیت های درونی انسان تقویت و توسعه یافته و او را به سوی کمال و فضایل ارزشمند سوق دهد از سوی دیگر اخلاص سبب می شود، موانع و مشکلات

^{۵۰}. سوره هود آیه ۷.

^{۵۱}. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۳۰.

^{۵۲}. سوره بقره آیه ۲۶۴.

^{۵۳}. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۷۹.

اخلاقی که در راستای تربیت مشکل ایجاد می کند برداشته شود. (به قول معروف مقتضی موجود مانع هم مفقود گردد)

۱- کنترل هوای نفس

هوای نفس به معنای میل نفس است در قرآن کریم بیشتر به کار مذموم به کار رفته است کنترل نفس یعنی تعادل ایجاد کردن در تمایلات نفسانی و جلوگیری از تمایلات مذموم.

بسیاری از فسادهای فردی و اجتماعی از هوا پرستی سرچشمه می گیرد. انسان هوا پرست معمولاً برای رسیدن به خواسته های حیوانی، دل به هرگناه و عصیانی دست می زند، معمولاً هوا و هوس به آن ها اجازه نمی دهد در عواقب امور بیاندیشند و راه درست را برای رسیدن به مقصد برگزینند به همین جهت یکی از اهداف اصلی و مهم برنامه تربیتی اسلامی، کنترل هوای نفس است-

امام علی(ع) می فرماید: **إِنَّمَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَيْنِ؛ إِتِّبَاعَ الْهَوَى وَطُولَ الْأَمَلِ، أَمَا إِتِّبَاعَ الْهَوَى فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَا طُولَ الْأَمَلِ فَإِنَّهُ يَنْسِي الْآخِرَةَ.**^{۵۴}

من بر شما از دو چیز می ترسم پیروی از هوای نفس و طولانی بودن آرزو، پیروی از هوای نفس شما را از حق باز می دارد و طولانی بودن آرزو آخرت را از یاد می برد.

بنابراین در فرایند تربیت مطلوب، نیت صاف و قلب با صفا از نیاز های اولیه است تا حق در او نفوذ کند، او را تحت تاثیر قرار دهد، امام علی(ع) بزرگ ترین پیروزی و ظفر انسان را اخلاص می داند: **الْأَخْلَاصُ فَوْزٌ**^{۵۵} اخلاص، رستگاری است.

اخلاص، ظفری برتر و بالاتر از رسیدن به درجه انسانهای مخلص است، اخلاص گوهر پر بهایی است که دل را نورانی و اراده را استوار و انسان را نیرومند می سازد و با رسیدن به بالا ترین مرتبه اخلاص، زره ای از هوای نفس و تمایلات آن در دل باقی نمی ماند و این ویژگی باعث می شود که انسان به دنبال لذت طلبی نفس نرود و توجه کامل به آخرت داشته باشد و به مظاهر فریبنده دنیا دل نبندد،

امام علی (ع) در این باره می فرماید: **طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْعِبَادَةَ**^{۵۶} در این حدیث شریف، نقش اخلاص در پیشگیری از هوای نفس و سلطه او بر روح و روان آدمی کاملاً مشهود است-

۲- حسد

حسد به معنای بدخواهی و خواستار بودن زوال نعمت و سعادت دیگری است، راغب می گوید: گاهی توام به سعی در از بین بردن نعمت دیگران است.^{۵۷}

^{۵۴}. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۳.

^{۵۵}. محمد تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۱۰۷.

^{۵۶}. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۹.

^{۵۷}. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ماده حسد ص ۱۲۳.

بدون شک حسد یکی از موانع عمده در راستای شکوفای استعدادهای انسان است، از سخت ترین بیماری های روانی و بدترین و پلید ترین ردایل اخلاقی است زیرا کسی که حسادت بر جان و روح او چنگ زده است، لحظه ای از حزن و الم رهایی ندارد و پیوسته در اندوه و رنج به سر می برد.

و بدیهی به نظر می رسد این خصیصه پست، دشمنی و کینه توزی فراوان بر انسانها تحمیل می کند چنانچه اولین خونی که در زمین ریخته شد، ریشه در حسادت داشت، وجود قتل هاییل توسط قابیل در سوره مائده آیه ۳۰ گواه بر این مدعا است.

اخلاص که از بزرگترین نعمت الهی است، انسان را از لجاجت و دشمنی با حقیقت و واقعیات بر حذر می دارد و او را از گرفتار شدن در چنگال حسادت و خود خواهی و خود پرستی نجات می دهد و او را هدایت می کند تا روح تسلیم در برابر حق را در خود پرورش دهد.

بدیهی است که یک فرد مسلمان و موحد باید به طور کامل تسلیم حق باشد و الا قبول اموری که به سود انسان تمام می شود، دلیل اخلاص بر ایمان نخواهد بود بلکه آنجا که ظاهرا به زیان انسان است اما در واقع مطابق حق و حکمت و مصلحت الهی است، اگر پذیرفته شود، نشانه اخلاص است. زیرا یکی از ویژگی بارز انسان مخلص، تسلیم قلبی در برابر مشیت و خواست الهی است.

امام علی(ع) می فرماید: طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْعِبَادَةَ^{۵۸} از نظر مبارک امام آنچه انسان از عبادات خالصانه بهره می برد، این است که اسیر مشاهدات چشم و شنیدههای گوش نشود و قلبش بخاطر فضل و رحمت الهی که شامل دیگران شده است، غمگین نشود و حسادت نوزد و اثر اخلاص محض در برابر یگانه هستی حق است.

مهم ترین آموزه اخلاص آموختن بندگی و تسلیم محض در برابر یگانه حقیقت هستی است، انسان مخلص در عین تلاش برای ارتقای سطح زندگی خود چه در بعد مادی، چه در بعد معنوی بر این باور است که ما انسانها همه کاره نیستیم بلکه قدرت فراتری و نیروی ما فوق طبیعت بر ما حاکم است.

حسادت در واقع بیانگر بیماری روحی و روانی است، باعث می شود که انسان در مقابل حقایق و واقعیات هستی به خطا رفته در نتیجه از کمال و ارزش های معنوی باز مانده، دوی این زخم و این بیماری مهلک ایمان و باورهای دینی و مهم تر از همه اخلاص به باورهای اعتقادی است، پیش از این گفتیم که یکی از بهره ها و ثمره های اخلاص بصیرت و دانایی است، کسی که اخلاص دارد نور الهی همراه او است و با اخلاص و اعتقاد کامل دریافته است که یکی از اوصاف مهم خدا، رحمان بودن اوست. و انت ارحم الراحمین.^{۵۹} این وصف بیانگر رحمت عام خداوند است و شامل تمام انسانها می شود و انسان مخلص هرگز به بهره های مادی و معنوی دیگران حسادت نمی ورزد.

^{۵۸}. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۸۱۹.

^{۵۹}. سوره اعراف آیه ۱۱۰.

۳- بی توجهی نسبت به دنیا

کلمه دنیا که از آن در تفکر دینی مذموم شمرده شده است، دنیای محیط پیرامون ما نخواهد بود بلکه آنچه مذمت شده است به جهان وارونه ای است که از درون و ضمیر ما انسانها حکایت می کند و عطش خواسته هایش جهت گیری های انسان را با شیاطین همسو و هم جهت می کند و تمام خوبیها و بدیها را با زندگی دنیایی و مظاهر آن را ارزیابی می کند و کمال انسان را تنها در بهره مندی از لذایذ مادی می داند- وابستگی و دلبستگی به دنیا انسان را با هویتش بیگانه می کند و میان او و ارزشهای متعالی فاصله می اندازد. لذا برای رهایی از دامهای خطر آن و رسیدن بر سر منزل مقصود اختیار، بی توجهی نسبت به دنیا و مظاهر آن است-

بهترین راه گریز از دنیا طلبی، عبادت خالصانه در پیشگاه خداوند است، امام علی(ع) می فرماید: الإِخْلَاصُ مِلَاكُ الْعِبَادَةِ^{۶۰}. کسی نجات می یابد و به سعادت می رسد که عبادتش را برای خدا خالص کند، عبادت خالصانه، رابطه باطنی انسان را با خدا محکم و استوار می کند و بردگی دنیا را از گردن انسانها را بر می دارد. زیرا کسی که عبادت را خالصانه برای خدا انجام دهد نور الهی بر جانش می تابد، نتیجه اش رهایی از ظلمت دنیا پرستی است- و کسی که نسبت به اوامر و نواهی حق تعالی اخلاص می ورزد، در واقع به موجود دائم و پایداری دل بسته است که از بذل جانش در راه او مسامحه نمی کند. اما کسی که اخلاص و روح دین در وجود او استوار نگردیده است، نثار و ایثارش در راه رسیدن به دنیا و متعلقات او است.

از همین ابو حامد غزالی می گوید: فعلاج الاخلاص كسر حظوظ النفس و قطع الطمع عن الدنيا والتجرد للآخره^{۶۱} برای درد بی اخلاصی باید لذتهای نفسانی درهم شکست و چشم طمع از دنیا برید و یکسره آخرتی شد. زهد و بی رغبتی نسبت به دنیا از احساس بی نیازی درونی بوجود می آید اگر کسی درعمل، قناعت پیشه باشد ولی قلبش قانع نباشد از نظر اسلام ممدوح و منظور نخواهد بود بلکه قناعت و زهدی پسندیده است که درعین قناعت عملی در زندگی، قلبش نیز از دنیا رو گردان باشد، امام صادق(ع) می فرماید: مَا أَخْلَصَ الْعَبْدُ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا.^{۶۲} هیچ بنده ای چهل روز ایمان خود را برای خدا خالص ننموده مگر این که خدا او را به مقام زهد رسانید.

در واقع انسان مخلص بالاترین درجه زهد و بی میلی نسبت به دنیا دارد و آن اینکه کسی که نخواهد باطن وجودش به غیر حق مشغول باشد، هر چیزی جز خدا را کوچکتر از آن می داند که خود را به آن مشغول سازد- فاصله ایمان قلبی با ایمان لفظی را قرآن این طور بیان می دارد: قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ^{۶۳} اعراب بادیه نشین گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده اید، بگویید که تسلیم شده ایم، و هنوز ایمان در دلهایتان داخل نشده است.

^{۶۰} محمد تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۱۰۸.

^{۶۱} محسن فیض کاشانی، المحججه البيضاء، ج ۸، ص ۱۳۰

^{۶۲} محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۷۰، ص ۲۴۰

^{۶۳} .سوره حجرات آیه ۱۴.

در واقع آنچه انسان را نسبت به مظاهر دنیا بی توجه می کند، ایمان قلبی و اخلاص باطنی است و واقعا و حقیقتا دنیا در نظرش مس باشد و آخرت طلای ناب و آن گاه طلا را به مس نفروشد-
 اخلاص همچنین حسی را در انسان ایجاد می کند که او تلاش می کند کیمیای آخرت را از دست ندهد و خود را ارزان نفروشد و انسان مخلص هیچ گاه حاضر نیست معشوقش را به مقام اندک دنیا بفروشد-

۴- دوری آرزوها

در حقیقت اصل آرزوها و امید نقش مهمی در تداوم زندگی با نشاط دارد و تمام پیشرفت و تکامل معنوی و مادی مرهون آرزوهای امید است. در واقع کسی که امید و آرزو ندارد، چراغ زندگی او خاموش است ولی همین امید و آرزو که زندگی طراوت و حیاتش را وامدار اوست اگر از حد بگذرد خود طوفانی سهمگین می شود و غرق در دنیا پرستی و ظلم طغیان می کند از همین یکی از عوامل بدبختی انسان یاد شده است-

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: *إِنَّ الْأَمَلَ يَذْهَبُ الْعَقْلَ، وَ يُكْذِبُ الْوَعْدَ، وَ يَحُثُّ عَلَى الْغَفْلَةِ، وَ يُورِثُ الْحَسْرَةَ فَأَكْذِبُوا الْأَمَلَ، فَإِنَّهُ غَرُورٌ، وَ إِنَّ صَاحِبَهُ مَأْزُورٌ.*^{۶۴} آرزو عقل را می برد، وعده پوچ می دهد، به غفلت ترغیب می کند و حسرت به بار می آورد پس، آرزو را دروغ شمارید، که آرزو فریبنده است و آرزومند گناهکار است.
 دنیاپرستی و داشتن آمال و آرزوهای طولانی انسان را از مقاصد عالیه دور می کند و انسان را از یاد خدا غافل کرده و نسبت به دنیا حریص بار می آورد-

یکی از راههای مبارزه با آمال و آرزوها طولانی ایمان به عقیده و معاد است و نقش ایمان به معاد مخصوصا در مواجهه امراض روحی و روانی فوق العاده اثر بخش است و بسیاری از ناپاکی ها و پلیدهای درونی را از بین می برد و انسان را در مقابل دنیا طلبی و آرزوی طولانی واکسینه می کند-

اخلاص به ما می آموزد که در مقام عشق به خداوند و اخلاص در دین از خود بگذریم و قدم در وادی فنا نهیم. اگر چنین ایمان محکم و استوار نباشد نفس سرکش و آرزوی طولانی او را به مفساد و ردایل خواهند کشاند-
 ثمره حیات بخش اخلاص عزت و اقتدار روانی است زیرا اخلاص در باور داشت و اعتقادات انسان را به یاد مرگ می اندازد و نفس سرکش آدمی را رام می کند وقتی به یاد مرگ می افتد خواهد فهمید که همه چیز رام او نیست. لذا در مقابل خداوند سر به خاک می نهد و ذلت را می پذیرد و در نهایت انسانها از چنگ آمال و آرزوی طولانی رهایی می یابند. انسان مخلص نهایت آمال و آرزوهایش لقا الله است که به آن خواهد رسید-
 امام علی (ع) می فرماید: *"مَنْ أَخْلَصَ بَلِّغَ الْأَمَالَ"*^{۶۵} کسی که اعمال و نیات خود را خالص گرداند به امیدها می رسد.

^{۶۴} محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، ج ۱ ص ۱۰۳.

^{۶۵} محمد تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۷۰.

نتیجه :

عوامل متعدد در جهت شخصیت انسانی دخیل اند که هر کدام با تناسب اثر گذاری اش مناسب است ولی آنچه من به دنبال این تحلیل آن در نوشتارم عبارت است از: اخلاص، که از آن می توان به عنوان برترین فضیلت انسان یاد کرده، در عین این که نقش سازنده در تقویت پیوند و الفت انسان با خداوند دارد، عامل مهم و تاثیر گذار در رشد و تقویت اخلاص به شمار می آید

اخلاص عاملی است که هم در بخش ایجابی و سلبی ایجاد ظرفیتها و قابلیت های انسانی که باعث می شود، زمینه تربیت را هموار کرد و انسان را در طریق تربیت و تزکیه قرار داده، از او یک انسان معتدل و توانا و الهی بار آورد



منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، چاپ دوم، نشر مرعشی نجفی، قم، ۱۳۸۶ق.
۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۹ق.
۵. ابن فارس، احمد ابن زکریا، معجم المقاییس اللغه، چاپ اول، مرکز نشر اعلام اسلامی، قم ۱۴۰۴ق.
۶. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، چاپ دوم، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۴۰۴ق.
۷. انصاری، خواجه عبدالله، منازل السائرین، مترجم صفی الدین و محمد طارمی، تهران، ۱۳۷۷ش.
۸. تمیمی آمدی، محمد، غررالحکم، چاپ دوم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.
۹. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۱ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، حکمت عبادت، چاپ پانزدهم، نشر اسراء قم، ۱۳۸۸ش.
۱۱.، رازهای نماز، چاپ شانزدهم، نشر اسراء قم، ۱۳۸۹ش.
۱۲. خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، چاپ چهارم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳ش.
۱۳.، شرح حدیث جنود و عقل، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷ش.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ دوم، سازمان لغت نامه، تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، مکتبه المرتضویه، ۱۴۱۲ق.
۱۶. زمخشری، محمود، اساس البلاغه، دارالمعرفه، بیروت، ۱۳۷۶ش.
۱۷. سجادی، سید جعفر، فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، شرکت مولفان جهان، ۱۳۶۷ش.
۱۸. سعید الخوری لبنانی، اقرب الموارد فی فصح العربیه والشوار، نشر مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۳ق.
۱۹. شفیع، سید محمد، پرورش روح در پرتو چهل حدیث، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۲ش.
۲۰. صدوق، محمد بن علی، التوحید؛ چاپ اول، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۸ق.
۲۱. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۲. طبرسی، ابن الحسن، مجمع البیان، تحقیق جواد بلاغی، چاپ سوم، نشر مرعشی نجفی، قم ۱۳۷۲ش.
۲۳. عزیزی، عباس، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، چاپ اول، بی جا، قم، ۱۴۰۰ق.

۲۴. فراهیدی، خلیل، العین، تحقیق، چاپ اول، نشر دار الهمجره، ۱۴۰۴ق.
۲۵. فیض کاشانی، محسن، المحججه البيضاء، چاپ چهارم، تصحیح علی غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۶. قریشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴ش.
۲۷. قشیری، ابو القاسم عبدالکریم، رساله قشریه، ترجمه بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳ق.
۲۸. قمی، شیخ عباس، الدرالنظیم فی لغات القرآن العظیم، انتشارات سلمان فارسی، قم، ۱۴۱۱ق.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه، سید جواد مصطفوی، چاپ چهارم، انتشارات علمیه اسلامی، تهران، ۱۴۰۷ق.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، چاپ دوم، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۳۱. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، دارالحديث، قم، ۱۴۱۶ق.
۳۲. مصباح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۸۲ش.
۳۳. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶ش.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ ۲۰، دار الکتب الاسلامیه، تهران



